قانون عینیت شعور و ماده (۱)

Identity between Thinking & Being

قانون وحدت ضدین عام است. عینیت ضدین، یعنی وابستگی متقابل آنها برای وجود داشتن و تبدیل آنها به یکدیگر در مورد شعور و ماده نیز صادق است. شعور و ماده دو جانب یک تضاد هستند نه متضادهای مطلق، این یعنی دوالیسم و ایده‌الیسم ذهنی. نتیجه این قانون انکار نقش دینامیک تئوری انقلابی و تأثیر آن در جنبش توده‌ای انقلابی است. فی‌المثل با این است که توده‌ها به تئوری انقلابی مسلح شوند و دنیا را تغییر فعالانه بدهند.

یعنی "نه تنها گذار از ماده به شعور دیالکتیکی است بلکه گذار از احساس به فکر"

مائو: "عمل، شناخت، دوباره عمل و دوباره شناخت ..."

الکلی: آیا "انعکاس درست از واقعیت" در ایده‌ها و تصورات ما درباره دنیای ~~[illegible]~~ واقعیت ممکن است؟ ایزا در دو باره فلسفی عینیت فکر و ماده میدانند

Three Major Struggles on China's Philosophical Front

بین ماده و شعور دیوار چینی با ماهیت دیالکتیک پراتیک و شناخت. شعور از ماده برمی‌خیزد و شناخت از پراتیک. شعور و شناخت درخت بی ریشه یا رودخانه بی سرچشمه نیستند. از آسمان نیفتاده‌اند و ذاتاً هم نیستند.

ماتریالیسم: نه تنها دنیا عینی است (خارج از ذهن ما هست) [این کافی نیست] (تحول)
بلکه باید آن را بر طبق قوانین آن تغییر داد

[شاه ارتجاعی است همین
سرنگونی او مطرح نیست] ←

این ماتریالیسم نیست ایدئالیسم است تسلیم است

عینیت دیالکتیکی

شعور انعکاس ماده است اما شعور در ماده اثر میکند، شعور و ماده با هم ارتباط متقابل دارند و میتوانند بر اساس پراتیک به همدیگر تبدیل شوند

شعور ماده و ماده شعور نیست
sameness ≠ identity

تئوری ماخیستی شناخت: اشیاء مجموعه‌ای از احساس هستند و ماده و شعور یکی هستند

دوالیسم: جدا کردن شعور و ماده

سؤالها: [جوابها باید با ذکر مثال از جنبش ایران یا انقلاب جهانی باشد]

۱ـ چه رابطه‌ای بین شعور و ماده هست؟ (آیا ماده یعنی طبیعت و جامعه مستقل از ذهن ما وجود دارد؟) آیا قبول عینی بودن دنیا کافی است؟ (نه تغییر آن هم هست)

A. شعور اصل است یا ماده؟ چرا؟

B. آیا شعور میتواند ماده را بدرستی منعکس کند، یا بزبان دیگر، آیا شناخت درست از دنیای خارج از ذهن ما میسر است؟

C - آیا شعور بر ماده اثر میگذارد؟

D - قانون عینیت چیست؟ [ضدین هم می‌توانند وجود داشته باشند و هم تبدیل شوند]

E - قانون عینیت شعور و ماده چیست؟

a - قانون وحدت ضدین، عینیت ضدین در مورد شعور و ماده چگونه است؟

b - آیا شعور و ماده ضدین مطلق هستند یعنی قابل تبدیل بهم نیستند؟ (دوالیسم)

c - آیا شعور و ماده یکی هستند؟ (ماخ)

۲ـ منظور از این گفته چیست: "ماده می‌تواند به شعور تبدیل شود و شعور می‌تواند به ماده تبدیل شود"؟

۳ـ ملاک ماتریالیست بودن همیشه یکسان است؟ یعنی در هر جامعه‌ای و در هر مرحله از تکامل اجتماعی انقلابی ملاکهای ماتریالیست بودن یکی است و تغییر نمی‌کند؟ ملاک ماتریالیست بودن در جنبش امروز ما چیست؟

۴ـ هدف پرولتاریا از شناخت جهان چیست؟ (تغییر آن) (ایده‌های صحیح از کجا می‌آیند)

۵ـ ملاک حقیقت، ملاک درستی و نادرستی شناخت چیست؟

۶ـ ایده‌های صحیح از کجا سرچشمه می‌گیرند [پراتیک اجتماعی: مبارزه تولیدی، مبارزه طبقاتی، آزمونهای علمی]

کمون اولیه | طایفه‌گر

برده‌داری | ۱ - ۲ - ۳
فئودالی

سرمایه‌داری | ۱ - ۲ - ۳ - ۴

پنجشنبه

چهارتا ایسم در دوران باستان پیدا شد

" ایدئولوژی طبقه حاکم

" دهقانها در دوره‌ای [illegible] ایدئولوگهای خود را [illegible] کنند ؟

" ایده‌آلیسم ای [illegible] ۱۶ [illegible] است

اتمیست‌ها و ... ماتریالیسم و ۱۸۵

متافیزیک چیست ؟

برای دیالکتیک چیزی ثابت و مطلق و مقدس نیست یعنی چه ؟؟

2-84
7.15
Thursd

— [illegible] انتقادی و اقتصادی [illegible] که [illegible] جنبش را [illegible]
[illegible] که جنبش را [illegible] ۳۲-۲۰ که جنبش را [illegible]
شرایط بحرانی [illegible] ۳۲-۲۰ [illegible] جنبش [illegible] ارتجاع [illegible] امپریالیسم [illegible] جنبش [illegible]

عقب نشینی برنامه‌ریزی شده:

[illegible]

کمبود [illegible]
[illegible]

[illegible]

۱/۲ کمبودها — از نظر [illegible] جنبش [illegible]

[illegible] ۱۳۴۲ امپریالیسم [illegible] داشته [illegible]
جنبش [illegible] کردند
امپریالیسم [illegible] از [illegible] کرد
امروز امپریالیسم [illegible] — [illegible]
[illegible] ۱۹۳۰ [illegible] | ۳۲ [illegible] ارتجاع و امپریالیسم

۳ [illegible]
[illegible] ایجاد کرده
[illegible] آزمایش [illegible]

۴ جنبش [illegible]

I- جایگاه ماتریالیسم تاریخی

فلسفهٔ مارکسیستی {
ماتریالیسم دیالکتیک [جهان‌بینی حزب مارکسیست-لنینیستی S]
ماتریالیسم تاریخی [استفاده از اصول ماتریالیسم تاریخی برای توجیه جامعه و تاریخ آن S]
[مطالعهٔ قوانین عام تکامل اجتماعی و فرم تحقق این قوانین در عمل تاریخی انسان]

(۱) تمام فیلسوفان وحتی فیلسوفان ماتریالیست، قبل از مارکسیسم از جامعه درک ایده‌آلیستی داشتند و بیشتر از این جهت فهمیده که در طبیعت نیروهای کور و لایشعر عمل می‌کنند اما در جامعه موجودات متفکر عمل می‌کنند. به نظر آنها نیروی بحرکت درآورنده تاریخ فکر و شعور است و به این ترتیب رابطهٔ بین ماده و شعور را اشتباه می‌کردند.

۲) مارکس با استفاده از ماتریالیسم دیالکتیک برای توجیه جامعه ماتریالیسم را از حالت یک تئوری برای توجیه و تشریح جهان خارج کرد و آنرا بصورت رهنمودی برای تغییر جهان درآورد، برای تغییر انقلابی جهان یعنی ایجاد جامعه‌ای بدون استثمار انسان توسط انسان.

ماتریالیسم تاریخی تنها یک تئوری درباره تعبیر تاریخ نیست بلکه یک تئوری است درباره تغییر تاریخ، ایجاد تاریخ
ساختن — شناختن

در کیهان (universe) دو بخش عمده انسان و طبیعت وجود دارد
ماتریالیسم تاریخی رابطهٔ این دو را مشخص می‌کند.
انسان و طبیعت روی همدیگر عمل می‌کنند یعنی با هم رابطهٔ متقابل دارند
رابطهٔ انسان و طبیعت را کار تعیین می‌کند. کار شرط نخستین وجود انسان است

۱- برای زنده ماندن انسان باید خوراک، لباس و مسکن داشته باشد
۲- برای داشتن این امکانات مادی انسان باید آنها را تولید کند - طبیعت آنها را در اختیار انسان نمی‌گذارد
۳- برای تولید این امکانات مادی انسان باید ابزار تولیدی داشته باشد (درست کردن خانه، خوراک و...)
۴- برای داشتن ابزار تولید باید این ابزار را تولید کرد و بکار برد.

کار انسان را خلق کرد [نقش کار در تبدیل میمون به انسان]

— کار تغییر عمدی (طبق نقشه‌ای) طبیعت است برای بوجود آوردن چیزهائی که طبیعت به انسان نمی‌دهد M
— کار پروسه‌ایست که در آن انسان و طبیعت هر دو شرکت می‌جویند، پروسه‌ای است که در آن
انسان روابط متقابل بین خودش و طبیعت را شروع می‌کند، تنظیم می‌دهد و کنترل می‌کند. M
— با تغییر طبیعت انسان هم خودش را تغییر می‌دهد و هم طبیعت را

بنابراین در طول تاریخ کار تولیدی ماهیت جامعهٔ انسانی را تعیین می‌کند

فصل دوم   مادی بودن یعنی چه

ماتریالیسم بودن (عالم مادی بودن) یعنی رابطهٔ ماده و شعور را در هر مورد مشخص تمیز دادن

مغز و فکر

اقتصاد و سیاست

هنر و اجتماع

فصل سوم (تاریخچه)

خطای اول — دنیا دستگاه ماشینی است، همه چیز برحسب قوانین مکانیک سنجیده می‌شود (فکر از مغز ترشح می‌شود مثل صفرا از کبد)

[افکار تنها از مغز نیست بلکه انعکاس محیط ۴۳]

حرکت ماشینی تکراری است از اینها

خطای دوم — در تاریخ تکامل و ترقی (تغییر حقیقتاً) نمی‌بینند بلکه تکرار می‌بینند حرکت دوری کارها است

" سوم — فلسفه و کار عالم ماتریالیسم یک عقیده است نه عمل

فلسفه نباید تنها دنیا را تشریح کرد بلکه باید تغییر داد

[ده هنر]

" چهارم — انسان مسلماً کیفی است

مارکس: کیفیت ساختهٔ انسان است پس انسان محصول اینها است نه کیفیت

فصل پنجم

۱- چرا فلسفهٔ سومی وجود دارد

فلاسفه‌ای پیدا شده‌اند که اصلاً میان ماتریالیسم و ایده‌آلیسم را منحرف کرده و فلسفهٔ سومی بوجود آورده‌اند

۲- استدلالات آگنوستیسم

تنها ظاهر پدیده‌ها را میتوان شناخت نه عمق آنها را

شیئی برای ما وجود دارد نه شیئی مستقل از ما (امثال [illegible])

۳- چرا فلسفهٔ سومی وجود ندارد؟

این پدیده‌ها غیرقابل شناخت یکی بعد از دیگری شناخته شده‌اند - از طریق پیشرفت علم

شناخته شده‌اند / تحلیل شده‌اند / دوباره تولید شده‌اند] شناخت عمقی، بعلت پیچیده بودن واقعیت، ضروری است. شناخت ظاهری کافی نیست.
شناخت حسی باید به عقلی تبدیل شود.

آگنوستیسم در فلسفه بیان منافع بورژوازی قرن ۱۹ بود که در مقابل ارتجاع فئودالی مترقی بود
اما در مقابل طبقهٔ جدید پرولتاریا ارتجاعی بود

فصل اول ماده و مادیت

ماده واقعیتی است خارجی و مستقل از ذهن و برای وجود داشتن محتاج به تفکر ما نیست

ایده‌آلیسم و ماتریالیسم نخستین اولین کوششهایی برای درک جهان بصورت کلی as a whole
در جامعه‌ی برده‌دار مصر و چین و هند و بابل شروع شد و در یونان و روم به اوج خود رسید

مبارزه بین طرفداران افلاطون
مبارزه بین ماتریالیسم و ایده‌آلیسم < دموکریتوس هراکلیتوس

ماتریالیسم دیالکتیک [ماهیت مادی دنیا ، حرکت در طبیعت ، تضاد ،

۱- حذف "دیکتاتوری پرولتاریا" در اروپا

۲- تضاد سوسیالیسم که یا به جلو (کمونیسم) برود یا به سرمایه‌داری برگردد

[آیا یک پدیده می‌تواند بیش از یک تضاد اساسی داشته باشد اگر می‌تواند چگونه اگر نه مثال شوروی]

۳- آیا امکان دارد بدون اینکه تضاد عمده و اساسی با هم منطبق شوند تضاد اساسی حل شود؟

زندگی و مرگ (تضاد فرد و مرگ)

۴- شرایط حل تضاد اساسی چیست

۵- شرایط جهانی - [در سطح جهان نیروهای تعیین‌کننده هست]

اسلوب متافیزیک

خاصیت اول   اصل همانندی (اینهمانی)   [دیدن موجودات در حالت سکون و اینهمانی]

سکون   حرکت
یکسانی   تغییر

استفاده بورژوازی

سوسیالیسم ممکن نیست، انسان خودپرست است
ارزش اضافی در شوروی و در آمریکا
زندگی زندگی است — مرگ هم مرگ
صندلی صندلی است   پس چیزی که صندلی نیست چیز دیگری است



جدائی موجودات

خاصیت دوم   جدائی موجودات   نفی رابطه   [تجزیه موجودات از یکدیگر و قطع روابط موجود بین آنها]

علم علم است و فلسفه فلسفه   علم و فلسفه به هم ارتباط ندارند
فلسفه و سیاست ربطی ندارند   دانشجو را با سیاست چه کار ؟
ادبیات و سیاست   ولتر و گوگول
دولت و اقتصاد : جدائی ؟

همانندی + جدائی ← ابدی بودن

خاصیت سوم   ابدی بودن   [تقسیم موجودات به قسمتهای ابدی و جداگانه]

فقیر و غنی همیشه هست

جامعه سرمایه داری دارای {پرولتاریا / سرمایه دار} است : [این تقسیم بندی متافیزیکی نیست]

۱- فقیر و غنی همیشه هست [متافیزیکی] سنتی دانستن، ابدی دانستن، در رابطه (مبارزه طبقات)
۲- فقیر و غنی همیشه نیست [دیالکتیکی] راندیدن

ولتیر : نفس واحد

خاصیت چهارم   نفی تضاد   [قرار دادن اضداد در مقابل هم : دو چیز متضاد نمی‌توانند در یک حال وجود داشته باشند]

مرگ در مقابل زندگی : زندگی زندگی است   مرگ مرگ است   : در مقابل هم قرار دادن اضداد = اضداد با هم نمی‌توانند وجود داشته باشند

جامعه یا دیکتاتوری است یا دیکتاتوری / دیکتاتوری پرولتاریا   دیکتاتوری توده‌ها است
[جدا کردن - در مقابل هم نهادن]

اسلوب متافیزیکی طبیعت

طریق اول   دنیا ساکن است   حرکت ناشی از اشتباه حواس است   الیائی‌ها

طریق دوم   حرکت هست اما ماشینی . حرکت تغییر مکان است نه خود تغییر . حرکت تکراری است [illegible]

اسلوب متافیزیکی جامعه

در جامعه هم حرکت هست نه تغییر : فاشیسم حرکت هست اما نه تغییر   سوسیالیسم چاره سرمایه داری نیست
سرمایه داری را باید اصلاح کرد

[تاریخ همواره از نو شروع میشود]   [illegible] در جامعه

اسلوب متافیزیکی فکر

احساسات و عقاید انسان تغییر ناپذیر است

الف - استنباط متافیزیکی طبیعت

[طبیعت مجموعه‌ای از موجودات ثابت و معین است]

دو طریق شناخت { طریق اول: دنیا ساکن است، حرکت حاصل اشتباه حواس است، اگر اشتباه رفع شود طبیعت بی حرکت است — الئاییها Eleatics
طریق دوم: حرکت مورد قبول است اما مکانیکی است (بسیاری از جمله ماتریالیستهای قرن ۱۷ و ۱۸)

این ظاهراً متافیزیکی نیست اما در واقع هست

۱- [مکانیسم: متشکل است از اجزاء ثابت، معین، دائمی که بهم پیوندند و خواص ثابت و معینی دارند]
مبنای تغییر اشیاء ثابت و دائمی است که خواص ثابت و معینی دارند

اما: دنیا از اشیاء درست نشده از پروسه در حال تغییر یعنی پروسه تشکیل شده
دنیا و جامعه در حال تغییر بی پایان و تبدیل هستند

۲- تغییر بدون عامل خارجی ممکن نیست
حرکت درونی وجود ندارد
A- اجزاء ماشین بدون حرکت اجزاء دیگر بحرکت درنمی‌آیند
B- این تئوری ماده و حرکت را از هم جدا می‌کند: ماده یک توده بی‌جان است که حرکت باید از خارج بر آن تحمیل شود

اما: حرکت نحوه زندگی ماده است (انگلس)

۳- مهمترین فرم حرکت، حرکت مکانیکی است یعنی تغییر جای اجزاء [حرکت تکراری است، تکامل و تغییر وجود ندارد]
همه انواع حرکت به حرکت مکانیکی محدود می‌شود
[رفتن قوانین فیزیک و فیزیولوژی‌ها در قالب مکانیک]
حرکت کره زمین قبلاً از ما بهرحال بعد هم می‌چرخد
سرد شدن و سایر تغییرات را نمی‌بیند

۴- کل = مجموع اجزاء: روابط بین اشیاء فقط روابط خارجی است

نتایج: حرکت تکراری است
حرکت تکاملی و ترقیانه نیست
ماتریالیست نگارش شاهد و ثبت است، توضیح است نه تغییر دنیا
انسان محصول محیط است [اما محیط ساخته انسان است انسان سازنده خود است]

همه موجودات بجا خود نگرند بدون هیچ فعل و انفعال تا طبیعت ثبت بخود یک جانه (اصل اول متافیزیک)

متافیزیک مکانیک منطق

پالیتزر

فصل سوم – تاریخچهٔ ماتریالیسم

۷۳

① پالیتزر : عالم مادی کسی است که در بیرون و همواره در هر لحظه و مرحله‌ای تحول ماتریالیسم را درک کند

۱ — دانشمندانی که مادی هستند و از مادی بودن خود خبر دارند
۲ — " " " ندانسته مادی هستند

ماتریالیسم و شناخت طبیعت / ایده‌آلیسم در تبیین پدیده‌های اجتماعی

۱
۱ — آنهائی که مطالعه ماتریالیسم را شروع می‌کنند و متوقف می‌شوند
۲ — دانشمندانی که بدون آگاهی مادی هستند. این‌ها در آزمایشگاه مادی هستند، اما در خارج ایده‌آلیست و حتی روحانی می‌شوند
— همیشه ضد و نقیض هستند
— عمل مادی خود را از افکار فلسفی خود جدا می‌کنند

③ – مطالعهٔ کتاب

مطالعه مجلات و نشریات — انتخاب نتایج و ایده‌آلیسم
توضیح واقعیت بلا طریق شرکت در تغییر آن (با رسازی انقلاب جهان) / همه به توضیح واقعیت نیست تغییرش

④ – چرا ماتریالیسم دیالکتیک در دوران باستان پیدا نشد؟ — انعکاسی از زمینه طبقاتی ملکیت

— زمینهٔ اجتماعی : طبقهٔ کارگر
— " تکنیکی : پیشرفت علوم

جریانات عمده ماتریالیسم از یونان باستان تا قرن ۱۸

ماتریالیسم به عنوان کار سرفا — سرنوشت کلیسا در دولت علم و تعلیم و تربیت
فلسفه ترجمهٔ الهیات شد — ماتریالیسم باید مخفی باشد
چون مذهب دینی – ایده‌آلیسم غالب شد

بیرون از کلیسا
اما علم به کارهای پیشرفت می‌کرد — در چین هند و کشورهای عرب

سرمایه‌داری — ۲ قرن ۱۵–۱۶ طبقهٔ جدید: بورژوازی — ماتریالیسم با مبارزه با عقاید مذهبی تاریخ بورژوازی / ماتریالیسم فلسفی
علیه کلیسا ماتریالیسم را بکار

کپرنیک — برونو – گالیله و سایرین / قرن ۱۵ / زمین مرکز هستی نیست – (ضربه علیه کلیسا)

انقلاب بورژوازی هلند آخر ۱۵ / انگلستان و ۱۷ / فرانسه ۱۸

بازار تولید صنعتی — مثل چون مکانیک اکتشافات و فیزیک و شیمی رشد کرد
از همه پیشرفته‌تر مکانیک بود به خاطر احتیاجات صنعتی و فیزیک [illegible]

قانون عینیت شعور و ماده (۲)

جنبش خلقی ایران (دموکراتیک و ضد امپریالیستی) چگونه پیروز میشود ؟

آگاهانه ماتریالیست بودن

انقلاب قهری مسلحانه — نیمه ماتریالیستی (مجاهدین) میزان عنصر ذهنیت، قدرت رهبری‌ها

رهبری طبقه کارگر — ماتریالیستی { جهان را مادی دانستن ، توانائی ماتریالیسم دیالکتیک
برخورد علمی کردن ، تحلیل ماتریالیستی کردن از جهان ، تضاد درون پدیده

با گرفتن کمی قدرت سیاسی از طبقه حاکمه (دگرگونی کیفی در جامعه بوجود آید) — ایده آلیسم

ملاک ماتریالیست بودن

در نظام شورای ایران : جبری / اختیاری بودن

در نظام سرمایه داری :

طبقات وجود دارند
مبارزه طبقاتی حتمی است نه تصادفی
تنها رهبری طبقه کارگر
شیوه طبقه کارگر (علاوه بر رهبری)

ماتریالیسم این نظرات میتواند آگاهانه یا غیرآگاهانه ،
مذهبی یا مارکسیستی ... باشد

* ماتریالیسم مکانیستی انقلابی است اما انحراف دارد (قبل مشغول بعد از ۱۵ خرداد توسط
یک گروه) . ماتریالیسم است در مقابل ایده آلیسم رفرمیسم اما مکانیستی است

* برخورد ماتریالیستی به طبقات حاکمه اما عدم قبول هژمونی طبقه کارگر
(هنوز از اپورتونیسم جدا نشده) مثل مجاهدین

* گرفتن کمی قدرت سیاسی از طبقه حاکمه و دگرگونی جامعه از واقع آن = اپورتونیسم
مثلاً حزب کمونیست ایتالیا و حزب توده یا اپورتونیسم مصدق (اول تئوریزه و دوم مصادقانه
است و شیفته به بورژوازی و عدم شناخت دولت بورژوازی) .

* ۳۲-۳۹ تئوریهای غالب در جنبش دمکراتیک اپورتونیسم ها و تئوریهای بورژوازی لیبرال بود
۱۵ خرداد یا خونریز کرد و شرایط ذهنی و عینی را برای رشد نظرات مقابل فراهم کرد :
برخورد ماتریالیسم انقلابی را ایجاد کرد :

منشاء ایده های صحیح پراتیک اجتماعی است (مبارزه طبقاتی ...) . ماتریالیسم بعد از ۱۵ خرداد در نتیجه مبارزه پیش آمد
و آثاری از مکانیسم و ایده آلیسم دارد .

نظریه چریکها (مذهبی یا مارکسیستی) از بارزترین نمونه بریدن از اپورتونیسم است (انقلابی بودن جانشینی نیست
— البته اپورتونیست و مرتد نیست بود — بلکه برخورد ماتریالیستی به طبقات حاکمه است)

ماتریالیسم — پاکنژاد ، جزنی ، احمدزاده ، مجاهدین ، سازمان آزادیبخش

ماتریالیسم آگاهانه — فدائیان چون اعتقاد به هژمونی طبقه کارگر دارند . ماتریالیسم آنها درست است اما
مکانیستی است چون از نظر ... ، اشکال مبارزه ، دوران‌های مبارزه ... و کلاً میشود
مبارزه چریکی (پیوند با کارگران)

۱- اکتفا به توضیح جنبه‌ی کمّی تولید سازش
۲- حرکت مکانیکی از همه‌ی کل ساده‌تر و قابل دسترس‌تر است

۱- مکانیک از همه پیشرفته‌تر بود زیرا
جدا کردن پدیده‌ها از یکدیگر

ماتریالیسم قرن ۱۷ و ۱۸ مکانیستی و متافیزیکی بود زیرا
{ استنباط متافیزیکی از طبیعت
دید مکانیکی

ماتریالیسم
× بیکن — شناخت طبیعت و تکامل ادراک ded به ind. (مارکس: او ماده را مانند رنگ‌های زندگی‌ها در رقص درخشان کرد و آن را با زیبایی شاعرانه به تبسم به انسان واداشت)
× توماس هابس — بدن و دولت را یکی دانسته تعقل ترکیب و اعصاب کتاب هستند و مفاصل چرخ‌ها و...
× جان لاک — sensualism تئوری شناخت که: مواد شناخت از اعضای حسی ناشی است

نیمه دوم قرن ۱۷ بورژوازی انگلیس که با ماتریالیسم از ایدئالیسم مصالحه کرد و ایدئالیسم

۱۶۸۴-۱۷۵۳ × برکلی — ایدئالیست ماتریالیسم منشأ گرفتاری‌ها و ماده دوست همیشگی بی‌دینی‌ها در طول تاریخ است
۱۷۱۱-۱۷۷۶ × دیوید هیوم — ایدئالیست آرزویش بود که مفهوم ماده منهدم شود و طرفداران ماتریالیسم تحت تعقیب قرار گیرند

۱۲ دکارت — دوالیست
دنیا از دو اصل جدا از هم ساخته شده است: ماده و شعور
اولی را ماتریالیسم است
یعنی خرد - عقل منشأ دانش است نه دانش حسی
در قرن ۱۷ اشتراکی بود چون علیه Faith ایمان بود که کلیسا به آن معتقد بود.

دوشنبه
چهارشنبه
جمعه
۱- ...خوب است او...
۲-

۹- اسپینوزا ۱۶۳۲-۱۶۷۷ در هلند

ماتریالیسم قرن ۱۸ فرانسه
انقلاب بورژوازی فرانسه که در قرن ۱۸ صورت گرفت
مبارزه‌ی عمیق بین ایدئالیسم و ماتریالیسم

دوشنبه

	۸-۱۰
دوشنبه	۳-۵
	۸-۱۰
چهارشنبه	۳-۵
	۸-۱۰
شنبه	۷-۹ — ۱۱-۱
سه‌شنبه‌ها	۹-۱۱ — ۸-۳
پنجشنبه	۹-۱۱ — ۸-۱۰
جمعه	۸

۱-۲- از استنباط‌ها برای کدام‌ها مردمان را ... کنم
۳- مکانیسم استنباط متافیزیکی عالم چه صورتی دارد
۴- منطق جیست و چه اصلی متافیزیکی دارد
۵- خواص استنباط و صور متافیزیکی ...
۶- آیا امکان دارد که ... متافیزیکی ...

مکانیکی - متافیزیکی - ریشماته - بیولوژیک ... ی

۸-۱۲ ...

Mechanistic Materialism

دنیا پر از تغییر است — شب به دنبال روز، بهار به دنبال زمستان ...
همه تغییر را می‌بینند اما سؤال چگونه تغییر را توجیه می‌کنیم:

ایده‌آلیسم: منشاء تغییر ایده یا نیات انسانی یا الهی است. منشاء تغییر خارج از ماده است

بر خلاف ایده و تابع قوانین دنیای مادی نیست

ماتریالیسم: منشاء تغییر در خود ماده و در دنیای مادی است

با وجود مشاهده تغییر فیلسوفان دنبال چیزی بوده‌اند که تغییر نکند — چیزی ثابت در آن‌سوی تغییر یا زیر تغییر
این یکی از اساس ایده‌ئولوژی طبقه حاکم را تشکیل داده است
آنها از تغییر می‌ترسند زیرا می‌ترسند که خودشان هم با تغییر وضع موجود از بین بروند
وجه
ماتریالیست‌های اولیه نیز منشاء تغییر را در حرکت و عمل متقابل اتم‌های ثابت لایتغیر می‌دیدند (۲۰۰۰ سال پیش در یونان)
در عصر فئودالی سرکوب بود — علیه ایده‌آلیسم دوران ... (تغییر بدون دخالت خدا) اپیکور
پس دنیا از اجزاء سخت و مادی درست شده و تغییر ناشی از حرکات و روابط این اجزاء است

آنها نیز دنبال چیز ثابت بودند
اما بر خلاف ایده‌آلیست‌ها که آن را
در ایده جستجو می‌کردند آن را در
ماده جستجو می‌کردند

ماتریالیست‌های قرن ۱۶ و ۱۷ در مبارزه خود علیه فلسفه فئودالی کاتولیکی به ایده‌های ماتریالیسم یونان برگشتند
اما غنی‌تر از آن بود: همه پدیده‌ها، از مواد تا انسان، از حرکت و عکس‌العمل اجزاء ماده ناشی می‌شوند. به این ترتیب در قرن ۱۸ ماتریالیسم مکانیستی داشتیم

ماتریالیسم مکانیستی: فلسفه بورژوازی

۳۳ فلسفه بورژوازی در حال رشد بود — علیه ایده‌ئولوژی فئودالی در واقع رادیکال‌ترین فرم مبارزه بورژوازی
علیه هیرارشی فئودالی بود.

برده‌داری: ارسطو: برده‌داری دستور طبیعت است زیرا بعضی انسان‌ها طبیعتاً برده هستند
فئودالیسم: توماس آکوئیناس سرتاسر گیتی نوعی سیستم فئودالی است: هر چیزی در دنیا سلسله مراتب فئودالی تنظیم شده بود — در رأس خدا بود. هر چیزی بستگی به این داشت که چه چیزی بالا سر آن باشد و هیچ چیزی بدون خدا ممکن نبود — رابطه تابع و متبوع
سرمایه‌داری: دنیا از اجزاء (اتم‌ها) جداگانه تشکیل شده و بر طبق قوانین مکانیک با هم عمل و عکس‌العمل دارند. هر جزئی جدا از جزء دیگر موجود است. این اجزاء با هم یک کل را تشکیل می‌دهند

put together

مکانیسم

۱- مکانیسم متشکل است از اجزاء ثابت که با هم جفت می‌شوند (عقربه، فنر، ...)
۲- احتیاج به نیروئی دارد که آن را به حرکت درآورد (کوک) خارجی
۳- اگر به حرکت آمد اجزاء با هم عمل می‌کنند و حرکات آنها قانونمندی دارد که می‌توان کشف کرد

۱) مکانیسم : نفی تغییر اشیاء ثابت و دائمی است که خواص ثابت و معینی دارد

اما : دنیا از اشیائی درست نشده بلکه از پروسه‌ها - اشیاء در حال تغییر یعنی

دنیا و جامعه در حال تغییر بی‌پایان و تبدیل هستند

۲) تغییر بدون عمل عامل خارجی ممکن نیست

اجزاء ماشین بدون حرکت اجزاء دیگر بحرکت در نمی‌آیند - حرکت درونی وجود ندارد

این تئوری ماده و حرکت را از هم جدا می‌کند : ماده یک توده بی‌جان است که حرکت باید از خارج بر آن تحمیل شود؟

اما حرکت نحوه زندگی ماده است (انگلس).

۳) تغییر مکانیکی - تغییر جای اجزاء - همه‌ی فرم حرکت است

همه انواع حرکت را به حرکت مکانیکی محدود می‌کند

۴) کل = مجموع اجزاء - روابط بین اشیاء فقط روابط خارجی است

شرایط عینی مبارزه سیاسی در ۲۰ سال دیکتاتوری رضاخان. پس از سقوط او جنبش عظیم توده‌ها احتیاج به سازمان رهبری.
اعلام شوری (در ۱۳۲۰) حزب توده، بشارت داد "جبهه کارگران دهقانان پیشه‌وران و روشنفکران" درست برای نیاز
عدم احتیاج رهبری به ... بیسوادی ... . فقدان شرایط ذهنی برای تشکیل یک حزب کمونیست تشکیل
حزب توده را الزامی می‌کرد اما تشکیل این حزب توده برای دامن زدن؟ در رهبری مبارزات مردم ... کار نبود. ۲ اهداف
وجود داشت ۱- بعنوان یک سازمان توده‌ای رهبری حزب نتواند مشی انقلابی اتخاذ کند و ۲- وظیفه دموکراتیک بر
وظیفه کمونیستی ترجیح داده شد (اپورتونیسم) و حزب کمونیست - سازمان مستقل طبقه کارگر ساخته نشد.
ج. ت. بجای سرنگونی طبقات حاکم (که نوزاد رضاخان تغییر نکرده بود) به این اکتفا کرد که دیکتاتوری را
برانگیزد و مبارزه را به آن محدود کرد. حزب توده در عمل مبارزات عظیمی دامن زد و دوره ۲۰ - ۳۲ دهه ...
دوره مبارزات عمیق در ایران است (هم بورژوازی ملی و ارتجاع به حزب بعنوان کمونیست ... و حمله کمونیسم بعنوان کمونیسم برد(؟)).
که چگونه به مبارزات حزب توده اعتراف است در ... ... آن دفاع کرد.

1

مبارزه در دو بخش [illegible] داده

۱. دموکراتیک [illegible] سازمانهای انقلابی [illegible] جنبش کمونیستی]

۲. کارگری [illegible]

این دو بخش مسائل مطرح است.

[illegible] گروههای [illegible]

مبارزه [illegible] است [illegible]

[illegible] حرکت [illegible] و

[illegible] جنبش [illegible] دارد [illegible]

[illegible] است

[illegible]

[illegible] جریان

[illegible] هستند

[illegible]

[illegible] جنبش انقلابی [illegible]

از نقطه نظر [illegible] تاریخی [illegible]

[illegible] انقلاب [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] کارگر [illegible]

[illegible] طبقه کارگر [illegible] جنبش [illegible] طبقه کارگر

[illegible]

[illegible]

[illegible] طبقه کارگر [illegible]

[illegible]

[illegible]

از نظر [illegible] که

[illegible]

[illegible]

— [illegible]

— [illegible]

۱- اتحادیه سوسیال دمکراتهای روسیه در خارج
ارگان: رابوچیه دلو [آوریل ۱۸۹۹ - فوریه ۱۹۰۲ ژنو]

۲- گروه "ساموآسوابازدنیه" ["گروه خود آزادی"] طبقه کارگر <سازمان کوچک و کم نفوذ اکونومیستی در سال ۱۸۹۸ در پترزبورگ پیدا شد>

۳- زملیا ای ولیا <نارودنیک گروه بورژوازی انقلابی>
زمین و اراده

دهقان اصلی است
سرنگونی تزار از طریق شورش دهقانی
ایجاد کمونها راه سوسیالیسم است

↓
شکست
↙ ↘
چرنی پردل — نارودنایا ولیا
ترور انفرادی عمال رژیم

۱- خاص و عام رابوچیه دلو
۲- ارگان رابوچیه گازتا

۴- آزادی کار <۱۸۸۳ نخستین گروه مارکسیستی روسی در سوئیس توسط پلخانف>

۵- اتحاد مبارزه در راه آزادی طبقه کارگر
پاییز ۱۸۹۵ توسط لنین در پترزبورگ

قانون دوم

اگر پدیده‌های منفرد وجود ندارد و هر پدیده‌ها بیگانه‌اند
وابسته و متقابلاً مشروط‌اند
پس شرایط زمانی و مکانی را باید در نظر گرفت
بزرگی و متقابلاً کمی اولیه تحول بود اما نه حال

۱- همبستگی و پروسه‌ها

پدیده‌های دنیا مستقل نیستند در ارتباط با هم هستند

تأسیس [illegible] کارگران ← پیدایش سرمایه‌داری، پرولتاریا و مارکسیسم در ارتباط است

۲- اکتشافات بزرگ قرن ۱۹

۱- کشف سلول و تکامل آن

آنها که نتیجه برهمه حیوانات از یک سلول است. مثلاً: بزرگی گیاه و حیوان شکسته شد و الوهیت نگاه تمام فیزیک گشته بود

۲- تغییر شکل انرژی

صدا و حرارت و نور تبدیل بهم میشوند

۳- تکامل

این سه اکتشاف همبستگی پدیده‌های طبیعت را در بر داشت، در داخل هر پدیده
و بین انواع امور ثابت کرد

میان گیاه، حیوان، انسان هیچگونه مرز وجود ندارد هر یک از این عوامل مرحله‌ای از آن میباشد
میان جوامع مختلف (مراحل مختلف) نیز مرزی نیست

۳- تکامل تاریخی

مرغ ← تخم مرغ ← مرغ

۴- نتیجه

نقش ۳ اکتشاف در پیدایش دیالکتیک ← رابطه دیالکتیک با علوم
علما با وجود پیشرفت علم نمی‌توانند این قوانین را در مجموع بکار ببندند و این
کار فلسفه است که مسائل عمومی و توجیه کلی عالم را در نظر دارد

لنین: «دیالکتیک معنی واقعی کلمه عبارت است از آموختن تضادها در داخل ماهیت اشیاء»

وحدت و تضاد
کمی ← کیفی
نفی نفی

□ اگر هستی در حال حرکت و تکامل دائمی است اگر زوال عناصر فرتوت و رشد عناصر نوزاد قانون تکامل است پس نظام اجتماعی فعلی زوال ناپذیر نیست، مالکیت خصوصی اصل ابدی نیست، و ایده های ابدی «وجود ندارد»
مبنای حرکت و فعالیت طبقاتی است که در حال رشدند (کارگر) نه طبقاتی که پیر شده
سوسیالیسم را می توان جانشین سرمایه داری کرد

قوانین دیالکتیک

قاعده اول: تغییر دیالکتیکی

I. حرکت دیالکتیکی چیست

هیچ چیز بی حرکت و هیچ چیز به صورت موجود باقی نخواهد ماند (پروسه و اتوماتیسم)

هر چیز در حال گذر است: حالت برزخ

II - هیچ چیز ثابت مطلق، مقدس نیست

(هیچ قدرتی روی دنیا بالاتر از آن وجود ندارد که بتواند از تغییر جلوگیری کرده و جلو او را ثابت نگه دارد)

مطلق: تابع شرایط نبودن، ابدی، کل و کامل بودن

مقدس: قابل رستگاری و عبادت و تغییر ناپذیر نبودن و فقط مورد احترام بودن

ثابت: ماده به صورت حرکت وجود دارد — هر چیزی گذشته و آینده دارد آنچه هست پایان یافتنی

تحولات مادی (ناشی از هم) و تحولات غیر طبیعی (اسیب دهان)

از بین رفتن ریکاردو — با سوسیالیسم — با انفجار
تغییر مکانیکی
بدون خود بخود
دینامیسم خود بخود تغییر دیالکتیکی

III - پروسه

دینامیسم خود بخود

A- دنیا از اشیاء درست شده بلکه از پروسه ها

انگلس: دنیا مجموعه ای از اشیاء ساخته شده نیست بلکه مجموعه ای از پروسه هاست که در آن اشیائی که ظاهراً ثابت هستند در حالت تغییر بدون انقطاع هستند، بوجود می آیند و از بین می روند (لودویک فویرباخ)

آیا دینامیسم جنبش درونی است یا علل خارجی؟ تضاد طبقاتی؟

B- مکانیست ها: تغییر چیزها از طریق علل خارجی بوجود می آید: ماده بدون حرکت است اگر چیزی فشار وارد نیاید حرکت نمی کند؛ خدا: منشأ حرکت

اما: این تئوری ماده و حرکت را از هم جدا می کند: ماده بی حرکت است که ترا کرده تا برای اینکه باید از خارج به آن فشار وارد کرد که حرکت کند
حرکت در خود ماده است، حرکتش ماده آغازی نداشته است

خدا آغاز جهان است؟
آغاز ماده کی بود؟
" حرکت کی است؟

آیا در مطالعه دلایل تغییر باید از عوامل خارجی شروع کرد؟
آیا تاریخ را مردان بزرگ می سازند؟ (بزرگان های در رژیم اجتماعی)
آیا سوسیالیسم ساخته خیال و افکار سوسیالیست ها است؟ یا اجتناب ناپذیر است؟

C - فرمهای حرکت

مکانیست ها: حرکت مکانیکی (تغییر مکان اجسام در نتیجه عمل نیروهای خارجی روی آنها) فرم نهائی و عمده حرکت تمام انواع ماده است و هر تغییر و هر حادثه ای را میتوان به حرکت مکانیکی کاهش داد و آنرا توجیه کرد

مارکسیسم : حرکات را طبقه‌بندی می‌کند

اولاً حرکت بصورت تغییر وجود دارد که تمام پروسه‌های جهان را در بر می‌گیرد
از جابجا شدن مکانیکی و ساده تا پروسه‌های فوق‌العاده پیچیده مانند تفکر

ثانیاً حرکات را طبقه‌بندی می‌کند

۱- حرکت مکانیکی : ~~حرکت~~ جابجا شدن اجسام (بزرگ) در فضا (در زمان) اجسام قابل رویت
~~اما این حرکت در همه مجردات از اجسام کوچک تا مجردات [illegible] وجود دارد~~ زمان
— این حرکت محدود به اجسام بزرگ قابل رویت نیست، ~~[illegible]~~
در هر ماده‌ای و در هر فرم دیگری از حرکت وجود دارد، اما
در آنها حالت تابع و ثانوی دارد

۲- حرکت فیزیکی intra-atomic & intra-nuclear motion

انگلس حرکت فیزیکی را به پروسه‌های ملکولی تفسیر کرد
اما ~~این حرکت~~ پروسه‌های ملکولی شامل پروسه‌های
حرارتی، الکتریکی، مغناطیسی و intra atomic intra-nuclear
هست

۳- حرکت شیمیایی ترکیب و تجزیه اتمها، که در نتیجه ملکول‌ها ترکیب و تجزیه میشوند که
ترکیبات شیمیایی از آنها بوجود می‌آیند

۴- حرکت بیولوژیک یکی از پیچیده‌ترین فرمهای حرکت ماده است
[illegible] اجسام پروتئینی که

۵- حرکت اجتماعی بالاترین فرم حرکت ماده در ماهیت و کیفیت با همه فرمهای دیگر اختلاف دارد
خصوصیت ویژه آن: تولید مادی

فرمهای حرکت ماده بهم مربوط و جدا ناپذیرند

— —

قوانین دیالکتیک

۱- بهم پیوستگی پدیده‌ها

۲- حرکت دائمی پدیده‌ها (آغاز و پایان — تحولات جهشی — بدون انقطاع) تکرار نیست تکاملی است

۳- تغییر کمی به کیفی (کیفی: متمایز کردن پدیده از پدیده دیگر) کیفی را با رقم نمی‌توان بیان کرد تغییر جهشی و انقلابی
کمی مشخصه — رقم

— تزلزل ندارد جنبش در همه جنبه‌های ماده بوجود بیاید
— تغییر کیفی لازم نیست در سرتاسر آب یکجا بوجود بیاید یعنی تغییر کیفی تدریجی نیست
کیفیت (انقلاب چین) اول یکی خرده بوجود می‌آید بعد بخش می‌شود

— { آوانتوریسم: تغییر تدریجی سطحی نیست
آنارشیسم: کمی سطحی نیست }

تضاد باعث تغییرات است تغییرات جنبش وارونه‌ای از تضادهاست

۴- تضاد درون پدیده‌هاست
عوامل خارجی: کمک شوروی به ویتنام / به سرمایه‌داری جهانی نمی‌تواند سرمایه‌داری آمریکا بوجود آورد. امپریالیسم نیست
روابط نکوداری است که استعمار را تقویت می‌کند. اگر زمینه‌ی بوروازی
وجود داشته باشد می‌تواند کمک کند (تقلیت وجود ندا است نه عامل خارجی)
عوامل داخلی

کم بها: عامل داخلی — خاص بودن تغییر را در نظر نمی‌گیرد (تضاد خاص چین و ایران)

کم بها: عامل خارجی — ناسیونالیستها: شرایط جهان را روی ایران نمی‌بینند

عامل خارجی شرط حرکت عامل داخلی اساس حرکت است
(گره زدن طناب عامل برتر نیست بلکه سردوگران راه هوا است)
گره طناب)

{ عام بودن تضاد: در همه پدیده‌ها هست — استثمار همه جا هست اما یک جا فئودالی است یک جا سرمایه‌داری
{ خاص بودن " : " " نیست

انتاگونیسم { هر پدیده تضادهای گوناگون دارد اما فقط یکی عمده است [تضاد عمده تضادی است که حل سایر تضادها منوط به آن است
قطب مسلط (امپریالیسم) قطب مسلط است
تضاد عمده: رژیم با خلق‌ها

جنبه عمده — در هر پدیده جنبه در هر لحظه‌ای است بلکه جنبه رشد کننده مهم است — [مارد نیکها]
جنبه عمده نیروها نیست که در آن لحظه غالب است
— کارگرها رشد کننده هستند
— آب در حال جوش دیگر آب سرد (آب سرد است اما حرارت ادامه دارد)

ارگانیک آمده (بیان تمام انواع استثمار، رستم در دست طبقه‌ها) این نوع آگاهی باید بمیان طبقه کارگر برود
مارکس و پلخانف (فرق: از تئوری به پراتیک و بالعکس)

قانون نفی نفی (الکهای) { قطع ترشدن / رهبری صحیح / دیسیپلین ترکیدن } تبدیل سیاست صحیح به نیروی مادی!

سازمان انقلابی { ارگانیک — ضد ارگانیک / رفرمیستی — انقلابی }

اگر تکامل در اثر بروز تضادهای داخلی است و نقش مبارزه قوای متضاد در پایه این اضداد در راه غلبه بر این تضادها بوجود می‌آید
پس مبارزه کار پرولتاریا اجتناب ناپذیر است
پس نباید تضادهای سرمایه‌داری را ماست مالی کرد بلکه باید کشف کرد و آشکار نمود
پس نباید در صدد لاپوشی کردن مبارزه طبقاتی بر آمد بلکه باید آنرا به آخر رساند

قانون سوم (قانون تضاد [illegible] وحدت ضدین)

قوانین دینامیسم چیست ؟
چرا چیزها که بوجود می‌آید محکوم به فنا است ؟

تبدیل عوامل به ضد خود

تبدیل عوامل به ضد خود
مرگ - زندگی
صحیح - غلط

امور عالم در عین حال هم خود و هم ضد خود هستند
تضاد : هیچ چیزی با خود سازگار نیست و بین قوای موجود در آن کشمکش است چون که آن کل متضاد است

۱. تز (اثبات) - حکم تخم مرغ
۲. آنتی تز (نفی) - ضد حکم جوجه
۳. سنتز (نفی در نفی) ؟ مرغ

Lenin : The splitting in two of a single whole
Mao : One divides into Two

قانون وحدت ضدین قانون اساسی هستی است.
قانون تبدیل یگانه به دوگانه

۱- هر پدیده‌ای در درون خویش حالت یک همزیستی تضاد درونی دائماً گونه‌ای است
۲- در هر پدیده‌ای تضادها بیشمارند - وظیفهٔ انقلابیون شناخت تضاد اصلی است - شناخت نیروهای داخل یک پدیده

۱- دو سر تضاد را تشخیص دهیم (وحدت اضداد در هر پدیده)
۲- جهت عمدهٔ تضاد را تشخیص دهیم (در وحدت اضداد یک طرف غالب است)
۳- عمده‌ترین نیروهایی که میتوانند در جهت از بین بردن آن سر تضاد هستند تشخیص دهیم (یکطرف در حال رشد است)

خصلت دوران معاصر را مبارزه بین سوسیالیسم و سرمایه‌داری تعیین می‌کند
اما این مبارزه شامل سه بخش است
۱. مبارزهٔ کشورهای سوسیالیستی با امپریالیسم
۲. « پرولتاریا با بورژوازی امپریالیستی
۳. « خلقها علیه امپریالیسم [در این تشخیص این تضاد لنین تعیین خصلت کرده است]

۱- ارتجاع ایران و خلق دو سر تضاد
حل تضاد در جهت سوسیالیسم است

قانون سوم   وحدت ضدین

تغییر — ناشی از کاهش و افزایش و تکرار   یا ناشی از وحدت ضدین و تغییر جهشی، نابودی کننده و ظهور نو

* وحدت ضدین

* [illegible] بودن ضدین - پرولتاریا (فروش نیروی کار به سرمایه‌دار) و بورژوازی (نمیتواند باشد بدون استثمار کارگر) — نمیتواند زنده باشد بدون

تضاد انتاگونیستی آنست که مبارزهٔ ضدین بشکل برخورد بیرونی الزامی باید و در آن

۱- طرف غالب میخواهد وابستگی طرف مغلوب و خود تضاد را حفظ کند

۲- طرف مغلوب نابودی طرف غالب و نابودی خود تضاد (سرمایه‌داری) را میخواهد

Shirokov p. 172

تضاد غیر انتاگونیستی

رشد تضاد و رشد نیروهائی است که حل نهائی تضاد را تأمین میکند و هر گام جدید در رشد تضاد در عین حال حل جزئی آن است
قابل [illegible]

اشتباه کردن تضاد با انتاگونیسم
[به دکتر [illegible] بر سر که
تضاد کارگر و دهقان = تضاد بورژوازی و پرولتاریا
[[illegible]
رابطه این طبقات انتاگونیستی نیست ولی هستیم
[illegible] تضاد نیست

نسبیت وحدت و مطلق بودن ضدیت

قانون چهارم   تبدیل کمی به کیفی

اگر عبور تغییرات کمی تدریجی به تغییرات کیفی سریع و ناگهانی است
پس انتقال از سرمایه‌داری به سوسیالیسم و رهائی طبقه کارگر از ستم سرمایه‌داری
نه از طریق تغییرات بطیء و اصلاحات بلکه از طریق انقلاب است
بنابراین باید انقلابی بود نه اصلاح‌طلب

I - اصلاحات یا انقلاب

هر تغییر و تبدیلی که حاصل جنگ قوای متضاد است
علت تکامل هر چیز وجود تضاد داخلی آنست

۲ انحراف
۱. برای تغییر کیفی نیازی به تغییر کمی نیست
مراحل تغییرات کمی را نفی می‌کنند (آنارشیسم)
۲ - همه دگرگونیها کیفی است (رشد کمی) ([illegible])
[illegible] اصلاحات ارضی [illegible]

تبدیل سرمایه‌داری ← سوسیالیسم
اصلاح‌طلبی
استدلال: ۱- سیاسی   اصلاحات به سوسیالیسم منجر نشده
۲- [illegible]   تغییرات جزئی در یک کفه جهش می‌دهد
تغییرات تند و ناگهانی در جامعه = انقلاب
منکران انقلاب ، آن را تصادف حوادث می‌گیرند : حادثه [illegible] است که هم امکان وقوع دارد
۳- علمی   تغییر آب   تغییر کمی و کیفی

پدیده‌های امپریالیسم
ایران
جنبش دانشجوئی
کیفی / کمی ← سرنگونی رژیم

II ماتریالیسم تاریخی
تغییرات تاریخی از کجا پدید می‌آید

(۱) سرنگونی رژیم به تغییرات کمی و ناگهانی احتیاج دارد
که بدون آن ممکن نیست [طبقه کارگر [illegible] ، مبارزه مسلحانه
پشتیبانی خلق [illegible]]
(۲) اگر این تغییرات کمی [illegible] کیفی نداشته باشند تکرار
تکراری است [[illegible]]
[illegible] اگر سمت سرنگونی نداشته باشد ارزشی ندارد
شرکت در [illegible] اگر سمت سرنگونی نداشته باشد
دفاع از [illegible]
[illegible]
[مثلاً [illegible]]

III - تاریخ چگونه توجیه می‌شود
تاریخ کار خدا است ؟
IV - تاریخ ساخته انسانها است
فکر - میل - عمل
افکار پیشوایان بزرگ قوه محرکه تاریخ است . اینها معتقدند که تاریخ را بوجود می‌آورند
مبارزه طبقاتی

نیروهای تولیدی
وسایل تولید   مبارزه درونی   پارلمانتاریسم
تغییر کمی و کیفی
تدریجی یا ناگهانی —
تضاد [illegible] —
تغییر کمی به کیفی   جهش ضروری است یا غیرضروری
اجتناب‌ناپذیر   اجتناب‌پذیر

داخلی: کلیه عواملی است که در سازمان یک پدیده نقش اساسی دارد
[illegible] (ارزش [illegible] عوامل خارجی [illegible])
عوامل خارجی فقط تغییرات کمی را تحت تاثیر قرار می‌دهد ([illegible])
عوامل خارجی تنها ابعاد و حجم و کمیت را تحت تاثیر قرار می‌دهد
انقلاب [illegible] ایران را تسریع یا تاخیر می‌دهد اما تعیین نمی‌کند.